

سیری در زندگی، فعالیت ها و اندیشه سیاسی

سید عبدالحسین موسوی لاری (قدس سره)

محسن رنجبر

منبع: مجله آموزه شماره 2

اشاره

گرچه بسیاری از فقیهان عصر مشروطه، در نهضت و نظام مشروطه شرکت کرده، به موضع گیری عملی و علمی درباره آن پرداختند؛ اما دو ویژگی، سید عبدالحسین مجتهد لاری؛ معروف به سید لاری را از آنها ممتاز می سازد: 1. بسیج نظامی مردمی در راستای اهداف مشروطه خواهی؛ 2. تلقی خاص او از نظام مشروطیت که با تلقی و انتظار عالمان دیگر مشروطه خواه از آن نظام، تا حدودی تفاوت داشت. تعدد نوشته های سیاسی او نیز - که البته به مشروطه محدود نمی شود - از ویژگی هایی بوده است که زمینه توجه به شخصیت و اندیشه سیاسی ایشان را فراهم آورده است.

وشتار حاضر، به اختصار به زندگی و فعالیت ها سیاسی ایشان می پردازد و در ادامه با بررسی برخی رساله های فقهی - سیاسی آن عالم، دیدگاه های او را در این خصوص به اجمال می نمایاند؛ و تفصیل قسمتی از اندیشه سیاسی سید لاری را به مقاله بعدی وا می گذارد.

1. مروری بر زندگانی سید لاری از تولد تا کرسی استادی در حوزه نجف

أ. ولادت و نسب

مرحوم حاج سید عبدالحسین موسوی لاری از مراجع مجاهد شیعه و از سیاست مداران پرهیزکار اسلام در قرن اخیر است. وی شب جمعه، سوم صفر سال 1264 (18 اسفند 1226 ش / 9 مارس 1848 م) در خانواده ای روحانی در شهر نجف اشرف دیده به جهان گشود.¹ تولد او در یکی از دوران های خفقان تاریخی یعنی در عصر استبداد فتحعلی شاه قاجار بود.

سید لاری پسر سید عبدالله پسر سید عبدالرحیم بود. سید عبدالله اصالتاً دزفولی بوده است. نسب مرحوم سید، به عارف نامی «کن الدین دزفولی» که مرقدش در شهر دزفول قرار دارد، می رسد. او از این طریق، به حضرت امام زاده حمزه (علیه السلام) (مدفون در شهر ری) فرزند بزرگوار امام موسی کاظم (علیه السلام) نسب می برد.²

ب. تحصیلات، استادان و مراتب علمی

سید عبدالحسین از هفت سالگی، تحصیلات ابتدایی خود را در مکتب آغاز کرد و مراحل دروس مکتب خانه مرسوم آن روز را به خوبی پشت سر گذاشت؛ سپس مشغول فراگیری علوم حوزوی و اسلامی شد. وی در اثر کوشش خستگی ناپذیر و تهذیب اخلاق و تزکیه نفس در بیست و دو سالگی، به درجه اجتهاد نایل آمد.³

مرحوم سید لاری در دوران تحصیلات عالی خود به استفاده از محضر پنج تن از عالمان و استادان بزرگ حوزه نجف به نام های فاضل ایروانی (م 1306 ق / 1267 ش)، شیخ محمدحسین کاظمی (م 1308 ق /

1269ش)، شیخ لطف الله مازندرانی (م 1311ق / 1272ش)، ملا حسینقلی همدانی (م 1311ق / 1272ق) و سید محمدحسین حسینی شیرازی معروف به «میرزای شیرازی» (م 1312ق / 1273ش) موفق شد. وی تا زمانی که مرحوم میرزای شیرازی در نجف اقامت داشت، از محضر وی بهره برد و پس از مهاجرت میرزا به شهر سامرا، سید در جلسه درس چهار استاد دیگر شرکت می کرد.

سید لاری با گذراندن مراحل تحصیل و مدارج علمی به رتبه بلندی از دانش و معرفت دست یافت تا آن جا که در بیست و دو سالگی مجتهد مسلم شد و از میرزای شیرازی، شیخ لطف الله مازندرانی و فاضل ایروانی اجازه اجتهاد گرفت.⁴

ج. انگیزه هجرت به ایران

با توجه به ظلم و اختناق که در عهد قاجار بر جامعه ایران و به ویژه بر مردم خطه لار حاکم بود، مردم این منطقه با ارسال نامه ها، طومارها و هیات هایی از زعیم شیعه، مرحوم میرزای شیرازی در خواست مجتهد مبارز و شجاعی کردند تا ضمن جلوگیری از ستم و تجاوز حاکمان قاجار، به امور دینی و مذهبی مردم نیز رسیدگی کند. حاج علی لاری، معروف به حاج علی کبیر که در دوره اول مجلس شورای ملی به نمایندگی انتخاب شد و بعد هم به وسیله عمال ستمگر منطقه لار شهید و به حاج علی شهید معروف شد، در معیت عده ای از سران لار به عراق رفتند و در سامرا خدمت میرزای شیرازی رسیدند و تقاضای خویش را با آن مرحوم در میان گذاشتند. آیت الله شیرازی در پاسخ فرمود:

در حال حاضر، چنین کسی را در نظر ندارم. مهلت دهید تا در این باب تدبیری کنم و شخص براننده ای را برای شما اختیار کنم.⁵

سپس حاج علی با همراهان عازم نجف اشرف می شوند و در آن جا در پی هدف خویش به جست و جو می پردازند تا این که روزی مرحوم سید مرتضی کشمیری را ملاقات، و از وی درخواست هجرت به لار می کنند؛ ولی وی نمی پذیرد و سید عبدالحسین را برای این امر لایق تر می داند. مرحوم حاج علی و همراهان نزد سید عبدالحسین رفته، از وی این را تقاضا می کنند. مرحوم سید که در آن ایام 45 سال داشت و دارای کرسی استادی و مشغول به تالیف و تصنیف بود به جهت این مسؤولیت ها ابتدا از پذیرش این درخواست سر باز زد؛ اما مرحوم حاج علی با اصرار و مسافرت به سامرا و بیان ماجرا خدمت میرزای شیرازی از وی استدعا می کند که از سید عبدالحسین بخواهد تا به دعوت آنان پاسخ مثبت دهد. مرحوم میرزا ابریسوایی که از موقعیت استراتژی منطقه حساس جنوب در برابر بیگانگان به ویژه انگلیس دارد، به سید امر می کند تا به لار برود. مرحوم سید چون فرمان استاد را واجب الاطاعه می داند، عازم ایران می شود⁶ و در پاسخ نامه اهالی فارس که درخواست عزیمت وی را به آن منطقه می کنند، چنین می نویسد:

غاثة مستغثین و اجابت دعوت مؤمنین، جهاد اکبر فی سبیل الله و فرض دمه اسلامیّه است.⁷

میرزای شیرازی هنگام عزیمت سید لاری به ایران، حاج علی شهید و همراهانش را مخاطب قرار داده و می فرماید:

با بردن آقا سید حسین به لارستان، نجف را به آن جا برده اید و گهواره فضیلت و دانش را از فرزند فضیلت و علم خالی گذارده ای.⁸

2. اقدام ها و مبارزه های سید لاری در عصر استبداد

سید لاری از بدو ورودش به منطقه لارستان تا آغاز نهضت مشروطه، خدمات و فعالیت های بسیاری در این منطقه در جهت احیای تفکر دینی و تبلیغ و تعلیم احکام و آموزه های اسلام و ارشاد مردم انجام داد

که در این جا به مهم ترین آن ها به اختصار اشاره می شود:

ا. تأسیس حوزه علمیّه و جهاد تربیتی و اخلاقی

رحوم سیّد عبدالحسین در سال های اوّلیّه اقامت در لار، به تأسیس مدرسه علمیّه بزرگی در شهر یاد شده اقدام کرد و مشتاقان علم دین را از اطراف و اکناف و شهرهای مجاور به این حوزه فرا خواند و به تعلیم و تربیت و تزکیه و تهذیب نفوس آنان همت گماشت. افزون بر این، وی مدارس علوم دینی دیگری در شهرهای اطراف تأسیس کرد.⁹

همچنین مرحوم سیّد به تعلیم و تربیت روحی و اخلاقی مردم پرداخت و در مدّت اقامت 25 ساله خویش در خطه لار، چندان در این راه کوشید که آثار آن پس از گذشت سال ها در مردم آن ديار نمایان بود.

ب. احیای احکام اسلام و برپاداشتن نماز جمعه

حاکمیت زورمدارانه پادشاهان قاجار، آثار ناخوشایندی را بر جامعه ایران عصر قاجار تحمیل کرده بود که یکی از آن ها به فراموشی سپردن و ترك برخی از احکام و واجبات دین بود. از جمله احکام یاد شده، فریضه «امر به معروف و نهی از منکر» بود که به بوته فراموشی سپرده شده بود و عالمان و دین مداران واقعی همچون سیّد لاری از این امر نگران بودند. وی ترك این واجب را از مهم ترین عوامل ستم و گستاخی بیش از حد حاکمان قاجار دانسته، در احیای این فریضه الهی تلاش های خستگی ناپذیری را از خود نشان داد. وی امر به معروف و نهی از منکر را بر همگان واجب عینی می دانست؛ چرا که در پرتو آن می توانست از ظلم و ستم جلوگیری کرده و به حاکمیت احکام الهی استقرار بخشد. همچنین وی در اجرای حدود الهی و تعزیرات شرعی، کوچک ترین مسامحه و تعطیلی روا نداشته و در جانبداری از حق، ذره ای مماشات به خود راه نمی داد.¹⁰

از دیگر احکام الهی «نماز جمعه» بود. سیّد لاری نماز جمعه را واجب عینی و از میناصب فقیه جامع شد رابط می دانست؛ از این رو در حدود سال 1310 قمری به احیای این فریضه همت گماشت و در مقام مرجعیت تقلید به ایراد خطبه های جمعه و اقامه نماز پرداخت.¹¹ همچنین در اغلب شهرها اشخاصی را به لیاقت و توانایی امامت جمعه را داشتند، به سیمت امام جمعه منصوب کرد.

رحوم سیّد عبدالحسین، چنان در اقامه این فریضه الهی جدّی بود که ترك آن را جایز ندانسته، حتّی در سفری که با گروهی از یارانش در سال 1318 قمری (1279 ش) به زیارت حضرت امام رضا (علیه السلام) فته بودند، به اقامه نماز جمعه در صحن حرم همت گماشت.¹²

سیّد لاری در برپایی این واجب الهی با وجود ضعف جسمی که در روزهای پایانی عمر خویش داشت تا واپسین روز حیاتش (4 شوال 1342) کوتاهی نکرد و خود، نماز جمعه را به پای داشت.¹³

ج. اجرای احکام اسلام درباره یهودیان حربی

مرحوم عبدالحسین در سفری که با جمعی از پیروانش به خانه خدا در سال 1315 قمری (1277 ش) داشت. در بندر لنگه مورد استقبال عالم ربّانی مرحوم سیّد عالم بحرینی و بسیاری از مردم آن شهر قرار گرفت.¹⁴ در بازگشت از این سفر، به تحریک یهودیان لارستان و بعضی از خوانین آن سامان و شکایت به ظفرالدین شاه، حاکم وقت لار به نام علی رضا خان از ورود سیّد به این شهر جلوگیری کرد و او را به بندر عباس، سپس بندر لنگه باز گرداند. مردم منطقه و مرحوم سیّد بحرینی به دارالخلافه تهران تلگراف هایی مخابره کردند تا آن که موانع بر طرف شد و به رغم میل درونی یهودیان و خوانین که کوشش های وانی در جلوگیری از فعالیت های سیّد کردند، وی با احترام و عزت وارد لار شد و به فعالیت خویش ادامه داد؛ ما یهودیان خاموش نشستند و به ظلم و تجاوز خویش ادامه داده، با هم نوایی با خوانین و

عاملان استبداد، از ذمه اسلام خارج شدند و به صورت محارب جلوه کردند. از آن جا که هدایت ها و صایح سید در این گروه بی ثمر بود، به ناچار حکم الهی را در حق این کافران حربی اجرا، و دستور نفی بلد و تبعید آنان را صادر کرد. سید، برای آن که خشم مردم، سبب غارت اموال و از دست رفتن جان یهودیان نشود، به آنان مهلت داد تا اموال و خانه های خود را به مسلمانان بفروشند و سپس آن جا را ترک کنند. سید در اجرای این حد الهی کاملاً پیروز و سرافراز از میدان به در آمد و پس از خروج آنان از لار، معبد یهودیان از طرف وی به مسجد تبدیل شد و مورد استفاده مسلمانان قرار گرفت.¹⁵

د. ممانعت از فعالیت مبلغان مسیحی وابسته به انگلیس

استعمار پیر انگلیس در جهت اهداف توسعه طلبانه و استعماری خود به منظور غارت منابع و امکانات جهان اسلام از جمله کشور ایران، در دوره اقامت مرحوم سید در منطقه فارس، به اعزام عده زیادی از مبلغان مسیحی همراه با نشریات تبلیغی اقدام می کند. سید در برابر این مسیونرهای مذهبی که با هدف ایجاد فتنه و آشوب به این نقطه گسیل شده اند، به اخراج آنان دستور داده، حکم می کند که کتاب های گمراه کننده آنان مصادره و از ورود آنان به هر شهری ممانعت به عمل آید. این اقدام سید، اگرچه فتنه و توطئه آنان را نقش بر آب کرده؛ اما دولت انگلیس در برابر این اقدام سکوت نکرده و با زیر فشار قرار دادن دولت ایران، درخواست استرداد مبلغ کتابهای مصادره شده را می کند. دولت قاجار، عین الملک، مأمور عالی رتبه خود را از تهران برای رسیدگی به موضوع و مؤاخذه سید و دریافت مبلغ دوهزار تومان وجه کتاب های یاد شده از وی، به لار می فرستد.¹⁶ عین الملک خدمت سید می رسد و چون بیانات منطقی و قاطعیت و روحیه تسلیم ناپذیری او را می بیند، بدون دریافت وجه درخواستی، به تهران باز می گردد.¹⁷

ه. مبارزه با فرقه شیخیه

چنان که ذکر شد، مرحوم سید در سال 1318 قمری سفری به مشهد داشت. در بین راه، چون به کرمان رسید، متوجه شد که فرقه گمراه شیخیه در این شهر دارای پایگاه و قدرتی هستند و با اعمال فریبکارانه خویش و حمایت اربابان استعمارگیشان، به فتنه گری و اغفال مردم مشغولند. مرحوم سید عبدالحسین برای رفع این فتنه در این شهر چند روزی توقف نموده و آنان را به مناظره فرا می خواند. سید در آن مناظرات با استدلال های متقن و محکم به حقانیت اسلام پرداخته، ادعاهای دروغ و بی اساس این فرقه را در نظر مردم بی اساس و باطل ساخته و فتنه این قوم را سرکوب کرده، گروه بسیاری از آنان را از گمراهی می رهاند.¹⁸

و. مبارزه با استبداد خوانین محلی

مرحوم سید، وجود خوانین مستبد محلی را که از حمایت دولت استبدادی قاجار نیز بهره مند بودند، یکی از عوامل اساسی بیچارگی و فقر مردم در جامعه ایران می دانست؛ چرا که این گروه، ستم فراوانی بر مردم بی پناه روا داشته و آسایش و امنیت را از عموم مردم سلب کرده بودند. آنان مردم را به غل و زنجیر بسته، گوش ها و بینی آنان را می بریدند و با گذاشتن آهن های گداخته بر بدن مرد و زن، راه را برای غارت اموال، خونریزی، آدمکشی و تجاوز به ناموس مردم هموار می کردند. آنان از مردم سرانه می گرفتند و اگر کسی حضور نداشت، از همسایه وی می گرفتند. با آن که همسایه پیش تر سهم خود را داده بود.¹⁹

بارزترین چهره این خوانین در منطقه فارس، شخصی به نام «قوم الملک» بود. این خاندان مدت 150 سال یعنی از زمان کریمخان زند تا دوره حکومت رضا خان پهلوی، در فارس سیطره و نفوذ داشتند و چون در دوران پایانی حکومت قاجار، توان دولت مرکزی کاهش یافته بود، اینان دارای قدرت روز افزون شده و ستم تجاوز خویش را در حق رعیت بیش تر کرده بودند. این خاندان سابقه طولانی در تبه کاری داشته اند؛ برای نمونه می توان به تبعید مرحوم سید علی اکبر مجتهد فال اسیری به بصره در زمان نهضت تنباکو به

وسيله رضاخان قوام الملك اشاره کرد. مرحوم سيّد لاری در برابر بيدادگري های اين خاندان به مبارزه سخت همت گماشت تا آن جا که خانه مرحوم سيد مامن هر ستم دیده ای بود که به دادخواهی نزد وی می آمد. سيد لاری از يك سو، با پذيرایی گرم و دستگیری از ستمديدگان، در رفع حوايج آنان می کوشيد ²⁰ و از سوی ديگر، با تحقير و خوار شمردن خوانين در نظر مردمی که خود را باخته و کوچک جلوه می دادند، آنان را به مقاومت و مبارزه ضد آنان دعوت می کرد؛ البته اين ستمگران، اعمال خویش را رنگ و لعاب مذهبی داده، برای فریب مردم به اقامه نماز و زیارت و دعا تظاهر می کردند و خویش را مؤمن و درستکار می دانستند. اما سيد در بطلان ادعای آنان می کوشيد و ظلم را بزرگ ترين گناه و پر کيفرترين معصيت معرفی کرد که جرم آن از کفر و ارتداد بيش تر است ²¹ در مقابل، خوانين نیز سکوت اختيار نکرده بارها در صدد قتل وی برآمدند که اين سوء قصدها ناکام ماند.

کوشش های خستگي ناپذير مرحوم سيّد لاری در راه اعلاي کلمه حق و پشتيبانی از مردم ستمدیده خطه فارس تا آن جا بود که استاد وی مرحوم ميرزای شيرازی در تاريخ 14 ربيع الاول 1310 (13 مهر 1271 ش) (تقریباً يك سال پس از ورود مرحوم لاری به ايران) طی نامه ای به سيد لاری عبدالحسين از خدمات و تلاش های وی در احیای فريضة امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با کفر و شرک تقدير و تجليل کرده است. ²²

3. سیری در اندیشه سیاسی سيّد لاری بر اساس رساله ها و متون سیاسی وی

مرحوم سيّد لاری از معدود عالمان و اندیشهورانی است که رساله های متعددی در موضوعات و مباحث گوناگون فقهی، کلامی، سیاسی و... نوشته است. اين قسمت از نوشتار، نگاهی گذرا به اندیشه های سیاسی سيد با عنایت به چند رساله سیاسی - فقهی او دارد.

أ. قانون مشروطه مشروعه

رساله قانون مشروطه مشروعه از جمله رسائلی است که مرحوم سيّد لاری در دفاع از مشروطه نگاشته است. رساله یاد شده درباره اصل شورا در اسلام و فواید و مصالح مجلس شورای ملی، شرایط نمایندگان مجلس، نفی سلطه بیگانگان و استقلال کشور، اتحاد کشورهای اسلامی و... بوده و دارای پانزده قانون کلی است. نثر این رساله و رساله دیگر وی به نام *قانون اتحاد ملت و دولت* تا اندازه ای پرتکلف و پیچیده است. نام خاصی برای این رساله تعیین نشده و فقط در صفحه اول آن آمده است: «این مختصر هدایا در تشویق و تحریص مشروطه مشروعه دولت علیه ایران». به نظر می رسد نام «مشروطه مشروعه» از تعبیر پیشین گرفته شده است. شيخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب *نقباء البشر*، از این رساله به اسم *القانون الملی* یاد کرده است. ²³ در *دوحه احمدیه* نیز به این رساله اشاره شده است. زمان دقیق نگارش این رساله روشن نیست. فقط معلوم است که رساله یاد شده در سال 1325 قمری در چاپخانه محمدی شیراز به چاپ رسیده است؛ از این رو در این رساله، از انتقادات مطرح شده از سوی رسائل مشروعه خواهان که به طور عمده بعد از جریان استبداد صغیر نوشته شده است، خبری نیست. اگرچه این رساله به دلیل دفاع از مشروطه، از جمله رسائل مدافع مشروطه به شمار می آید، ویژگی هایی که مرحوم لاری برای مشروطه مشروع و مورد تأیید خویش می شمارد، رساله یاد شده را اساساً از رسائلی که در حمایت از مشروطه نوشته شده، جدا می سازد.

سيد لاری در این نوشته، بر لزوم حکومت قانون منطبق بر شریعت مقدّس اسلامی، تأکید و اصرار دارد و دیدگاه های خود را در استقرار چنین حکومتی که نقش عمده و اساسی امت اسلامی در اداره آن کاملاً مطرح است، بیان می کند؛ از این رو به نظر می رسد که رساله *مشروطه مشروعه*، رساله ای در دفاع از مشروطه مورد نظر مرحوم لاری است، نه نظامی که در چارچوب قانون اساسی مشروطه و متمم آن تبلور یافته است.

سيّد لاری در بخشی از رساله خویش، ویژگی هایی را برای قانون مّلی و وظایفی را برای نمایندگان مجلس و زمامداران حکومت مشروطه می شمارد که در صورت تحقق آن ها، آن نظام، مشروطه

مشروع خواهد بود. نخستین پایه مشروطه مشروع لاری، شورایی مبتنی بر شریعت و برای اجرای احکام الهی است. در این تفکر، همگان باید بر این اعتقاد باشند که تمام افعال و اعمال انسان، معلول و زاینده اراده و مشیت الهی است و از دایره مقدرات خدا خارج نیست. مرحوم لاری، اعتبار هر نظر و شورایی را بر شورای انبیا و علمای اعلام و نواب حضرت خیر الانام و عقل عقیل مستقل امام والامقام و قوانین شریعت مبتنی می‌داند و انتظارات پانزده گانه خویش را از مشروطه در قالب وصف قانون ملی بیان می‌کند.

مرحوم لاری ضمن شمارش انتظاراتش از مجلس، برای عضویت در مجلس، سه شرط را لازم می‌داند:

شرط اول آن که اعضای مجلس باید خود را از ناپاکی بیگانگان و هم نشینی با اشرار و کافران و مستبدان فسد که برای اهداف پلید خود، خویشان را در مجلس مَلِّک پاسبان (مقدس) داخل می‌کنند، دور نگه دارند.

شرط دوم آن که اعضای مجلس مقدّس، خود را به انوار و آثار وقار و حُسن صورت و سیرت اسلامی بیاریند و سجایای اخلاقی و سیمای عدالت و ایمان را کسب کنند و در گسترش موازین قسط و عدل در جامعه همت گمارند و به محکّمات قرآن و احکام نبوی(صلی الله علیه وآله)، متعهد و پایبند باشند و با زبان و کردار و رفتار خود، ایمان خویشان را به منصف ظهور و مرحله بروز برسانند.

شرط سوم برای عضویت و ورود در کعبه مجلس محترم این است که این عمل با خلوص نیت صورت گیرد و عضو مجلس، خود را از هرگونه پلیدی و پستی های آشکار و پنهان پاک کرده باشد و از هرگونه علائق نفسیانی و اغراض شخصی آزاد باشد و مهذب به اخلاق حمیده بوده و همچون مجرمی که در جرم نقد س کعبه گام برمی‌دارد و لبیک و سعیدیک می‌گوید، گام در مجلس گذارد و با گذشت و جدیت، به طور کامل در کسب حق مجاهده کند و در این راه، از خدای بزرگ استمداد طلبد و راه راستی و وصول به هدایت و ارشاد و دوری از پلیدی و فساد را از خدا بخواهد و برای ورود به مجلس از امام مبین، اذن دخول ²⁴ بخواهد.

چنان که ملاحظه شد، مرحوم لاری در جای جای این رساله بر ضرورت پایبندی مجلس و مشروطه طلبان بر حدود شرعی و استعانت از عالمان و مراجع و فقیهان تأکید می‌کند. این جهت از تأکیدهای وی شاید مطلوب طبع مشروع خواهان بود؛ ولی گویا هیچ کسی نمی‌تواند وصف های مبالغه آمیز او را در باب ندر و منزلت مجلس تا حد خانه کعبه بپذیرد. درست است که مرحوم لاری این تقدس را مشروط به اجرای احکام اسلام به مجلس می‌دهد، اما به هر حال، قداست کعبه را نمی‌توان با حرمت مجلس مقایسه کرد و یکسان دانست.

ب. قانون در اتحاد ملت و دولت

رساله *قانون در اتحاد ملت و دولت* رساله دیگری از مرحوم سیّد عبدالحسین لاری است که در محرم الحرام سال 1326 (بهمن 1286ش) در اوج درگیری های مشروطه خواهان با مستبدان و پیش از پی توپ ستن مجلس بوسیله محمد علی شاه، برای آگاهی عموم مردم، با چاپ سنگی در چاپخانه محمدی شیراز به چاپ رسیده است.

قالب و شالوده های کلی دفاع سیّد لاری از مشروطه در این رساله نیز مانند رساله *مشروطه مشروع* است. او آن چه را که در این رساله آورده، انتظارات خویش از مشروطه است، نه مشروطه موجود؛ از این رو سبک حمایت و دفاع لاری با سبک و سیاق و ادله سایر عالمانی که در حمایت مشروطه رساله نوشته اند، متفاوت است؛ اما به هر حال، با علم به چنین تفاوت تلقی از مشروطه، همواره از مشروطه موجود حمایت کرده و به شدت به مشروع خواهانی که می‌گفتند: «ما دین نبی خواهیم، مشروطه نمی‌خواهیم»، می‌تازد.

سید لاری، در آغاز رساله پس از آن که مشروعه خواهان را به سبب باطل دانستن مشروطه موجود مورد انتقاد و ملامت قرار داده، با استدلال به آیه 121 سوره مبارکه انعام، سخنان آنان را وحی شیاطین به ایشان می خواند، به وصف و بیان شروط مشروطه مشروعه مجلس ملی اسلامی در شش فصل می پردازد. مرحوم لاری تعداد لازم برای صحت انعقاد مجلس را همان تعداد لازم برای حیات امور حسیه می داند. که حداقل این تعداد يك نفر، و حد اکثرش متکی به اندازه کفایت برای آن حیات است. وی سرانجام با استناد به معمول زمان و مکان، تعداد دوازده نفر را به دلیل آن که عدد میمونی است، مناسب تری می اند و شروط عضویت در مجلس را شروط چهارگانه تکلیف، یعنی کمال عقل، بلوغ، علم و قدرت معرفی می کند.

سید لاری در تعریف احکام تکلیفیه می گوید: احکام تکلیفیه عبارت از حفظ محاسن صورت و مکارم سیرت و تولی و تبری از اشیرار و کافران است. لاری در ادامه تأکید می کند که شروط کمال و تکمیل مجلس آن است که اقلاً و اولاً، شخص اول مجلس، «قیه عادل و جامع الشرائط» باشد و بدل و جانشین وی نیز از عدول مؤمنان تعیین شود.

این شرط مرحوم سید، یکی از مواردی است که مبانی مشروطه و خصایص آن را از دیدگاه مرحوم لاری با مشروطه در اندیشه عالمان دیگر مدافع این نظام متفاوت می سازد؛ چرا که هیچ يك از عالمان دیگر در رسائلشان، شرط ریاست مجلس را فقاقت رئیس آن ندانسته اند؛ اما مرحوم لاری بر این نکته تأکید دارد. او همچنین تأکید می کند که نمایندگی مجلس در شمار واجبات کفایی است و این مطلب نیز به این صراحت در رسائل دیگران نیامده است.

از جمله تأکیدهای دیگر نویسندگان در این باره آن است که برای شرط اکمال و تکمیل مجلس، باید تشکیل آن در مناسب ترین و بهترین ایام، یعنی صبح های پنجشنبه و جمعه و در بهترین مکان ها نظیر بقاع مشرفه، مساجد، مدارس و معابد باشد. هنگام افتتاح نیز باید مجلس با نام خدا، رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) و امام زمان (علیه السلام) افتتاح شود تا مورد توجه خدا و رسولش قرار گیرد. سید لاری در ادامه می نویسد:

نمان گونه که ولایت اجرای حدود شرعیّه و مجازات های الهی و احکام خداوندی، حقّ انحصاری حاکم نرع است، حقّ تعیین اسم و رسم، لقب، منصب، ناظر، قیّم، وکیل، امین، کاتب، منشی، معین، ناظم، ازن، ولی، والی و متولی و تعیین مراتب هر کس از هر جمعیت، حتی بزرگداشت یا تکذیب و هر تغییر و بدیلی، حقّ انحصاری حاکم شرع مسلم العداله اهل مجلس است از دیدگاه سید لاری، رئیس مجلس یا حاکم شرع حاضر در مجلس، آن قدر قدرت دارد که کسی را حق مخالفت، معارضه، رد ایراد، عقد مجلس ضرار در مقابل مجلس اختیار... همچنین احدی حق شفاعت سیئه ندارد، از خائن و فاسق، مرتشی، مستبد، مفسد همچنین حق تعطیل حدود شرعیّه و سیاسات الهیه کسی ندارد، مگر در صورت مانع با عذر شرعی...».

رحوم لاری در میاخذ پایانی به مطالبی چون حدود تصرفات در بیت المال، کمیّت و کیفیت دریافت خراج مقاسمه شرعیّه و فرق بین دولت مشروطه مشروعه و مستبدّه می پردازد.

به رغم تفاوت مشروطه مشروعه مرحوم لاری با مشروطه موجود، وی مشروطه موجود را مورد تأیید قرار داده و به صرف تفاوت آرمان با واقعیت، واقعیت را محکوم نمی کند. او با توجه به نگاه واقع گرانه خویش، در واپسین بحث خود، به تفاوت مشروطه مشروعه آرمانی خود با مشروطه موجود اشاره، و در قالب «ایضا و تنبیه» مشروطه موجود را تأیید می کند.

ج. جایگاه نهاد سلطنت در اندیشه مرحوم لاری

کته شایان توجه در دیدگاه سید لاری در این رساله آن است که او جایگاه حاکم شرع را ریاست مجلس می داند و در مشروطه ای که تصویر کرده، رئیس مجلس، عملاً بزرگ ترین و منحصرتین مرجع سیاسی،

اداری، قضایی و قانون گذاری است و دیگران فقط حکم مشاوران وی را دارند و نه بیشتر.

با وجود این، وی مشخص نمی کند که به این ترتیب، جایگاه سلطان در نظام مشروطه کجا است و مشروطه ای که تمام قوای آن در يك جا متمرکز شده، چه کسی یا چه نهادی را مشروط و مقید می سازد.

در پاسخ به چنین پرسشی باید گفت: جهت عملی شدن يك نظریه زمان فراوانی را باید سپری کرد تا ضمن تکون و تکامل یافتن آن نظریه، شرایط لازم برای پذیرش آن فراهم آید.

نظریه مرحوم لاری در باب مشروطه مشروعه، ولایت فقیه، جهاد و دفاع و شیوه های عمل او در مقابله با استعمار و استبداد نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ چنان که نظریه وی درباره ولایت فقیه در چند دهه بعد با تکوین عمیق تری در اندیشه معمار انقلاب اسلامی امام خمینی (قدس سره) سامان یافت؛ بنابراین، بعید به نظر نمی رسد که سید لاری از بدو امر در دستگاه اندیشه ای خویش به این نتیجه رسیده باشد که یگانه راه مبارزه موفق و ثمر بخش با استبداد و جنایات و ستم های حاکمان قاجار، انحلال پدیده سلطنت²⁵ و حاکمیت ولایت فقیه با همان اختیارات امام معصوم باشد؛ اما چون از يك سو، این نظریه در مقام عمل و اجرا هنوز عمق و پختگی لازم را نداشت و مرحوم لاری به تمام راهکارهای لازم جهت اجرای آن در جامعه اسلامی نرسیده بود و از سوی دیگر، در جامعه، شرایط لازم جهت پذیرش حکومت ولی فقیه فراهم نیامده بود، مرحوم سید به مرتبه پایین تری از حکومت دینی که قدر مقدور بود، یعنی حکومت مشروطه مشروعه، بسنده کرده تا شرایط لازم جهت حاکمیت ولایت فقیه فراهم آید؛ بنابراین اگر چه مرحوم لاری جایگاه سلطنت و نسبت آن را با نهاد مجلس به روشنی معین نکرده است، ما با توجه به آن که کلمه «مشروطه» صفتی است که به موصوف نیاز دارد و نیز مرحوم سید در چند جا از رساله *قانون مشروطه مشروعه* به ستایش سلطان عادل و پایبند به احکام شریعت پرداخته است، می توان نتیجه گرفت که وی با این که نقش و جایگاه مجلس و نمایندگان آن را در اداره امور کشور بسیار مهم و بلند می داند، وجود سلطان عادل را که شریک در عبادت خلاق باشد و در حمایت و معیت شورای ملی به احکام شریعت عمل کند، نفی نمی کند.²⁶

د. ولایت فقیه

نظریه «ولایت فقیه» دستاورد اندیشه سیاسی مکتب شیعه است. برخی از فقیهان همانند مرحوم سید عبدالحسین لاری، دایره اختیارات فقیه را بسیار گسترده دانسته و به «ولایت مطلقه فقیه» معتقد شده اند. وی این نظریه را در رساله *ولایت الفقیه* که حواشی وی بر کتاب مکاسب شیخ انصاری است، ارائه کرده است.

مرحوم سید برای اثبات ولایت فقیه، می گوید: از آن جهت که خداوند قدرت و سلطنت دارد، می توان ولایت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را اثبات کرد و فرقی بین ولایت و سلطنت خدا و پیامبر نیست، مگر آن که سلطنت خدا استقلال و بالاصاله است؛ اما سلطنت پیامبر بالتبع و استقبالی از سوی خدا است. همچنین منصب امامان (علیهم السلام) در خلافت و ولایت مطلقه، همانند پیامبر در تمام شؤون سلطنت و ولایت است و فرقی هم بین ولایت و سلطنت پیامبر و ائمه نیست، مگر آن که سلطنت پیامبر بدون واسطه، ولی سلطنت امام با واسطه پیامبر است. همچنین منصب فقیه در خلافت و ولایت مطلقه، همانند امامان است در تمام موارد سلطنت و ولایت، و فرقی بین سلطنت فقیه و امام نیست، مگر این که اولی با يك واسطه است و فقیه با دو واسطه؛ از این رو منصبی که پیامبر و ائمه و فقها دارند، يك منصب مطلقه عام است....²⁷

وی در جای دیگر می نویسد: بنابراین، هیچ اجمال و اشکالی نیست در این که سلطنت مطلقه ای که برای امامان از جانب پیامبر با نص آن حضرت بر جانشینی آنان ثابت است، همان سلطنت برای فقیه از سوی امامان با تصریح آنان بر جانشینی فقها، ثابت است.²⁸

ز دیدگاه سید لاری، مقصود از «اطلاق» در «ولایت مطلقه فقیه» گستره اختیارات و تصرّفات مربوط به امر حکومت و مدیریت جامعه اسلامی است؛ از این رو از نظر وی، فقیهان عادل در عصر غیبت، در دو حوزه مسؤولیت دارند:

1. همه آن چه در مسأله حکومت و پاسداری از کیان اسلام از مسؤولیت های پیامبر(صلی الله علیه وآله) و امام معصوم(علیه السلام) به شمار می رود، فقیه عادل نیز عهده دار آن ها است، مگر مواردی که با نص یا اجماع و امثال آن، استثنا شده باشد.

2. همه اموری که در زمینه مسائل دینی و دنیایی از مؤمنان خواسته شده، ولی انجام آن ها وظیفه فرد گروه معینی نیست، انجام چنین کارهایی نیز وظیفه فقیه بوده و حقّ تصرّف، مختص به او است.²⁹

بنابراین، سید لاری عام بودن وظیفه برای اجرای حکومت اسلامی را در زمانی که پیامبر(صلی الله علیه وآله) و امامان معصوم در میان نباشند، برای «فقیه جامع الشرائط»، با استدلال های متقن فقهی به اثبات می رساند و بر این باور است که اجرای قوانین اسلامی در هیچ زمانی تعطیل بردار نیست و «فقیه» از جانب امام معصوم، نیابت و خلافت عامه دارد که زندگی جامعه اسلامی را در عصر غیبت بر اساس آموزه های اسلام و قرآن تنظیم کند.³⁰

مرحوم لاری ضابطه و معیار کلیّ مشروعیت قانون ملیّ و مجلس را در ولایت فقیه می داند و بر موانعی که در نهضت مشروطه بر سر اجرای قوانین الهی پدید آمده می تازد و اصل «ولایت فقیه» را ضابطه کلیّ و جامع علمی و عملی شرایط ملیّ و عامل رفع موانع دانسته، می گوید: «ضابطه کلیّ و جامع علمی و شرایط ملیّ و فقد موانع فعلی»، ولایت فقیه است که از تفسیر کلام گران سنگ حضرت امام حسن عسکری(علیه السلام) به موازین آن پی می بریم:

فاما من كان من الفقهاء صائنا لنفسه، حافظا لدينه، مخالفا لهواه، مطيعا لامر مولاه فللعوام ان يقلدوه و ذلك لا يكون الا بعض فقهاء الشيعة لا جميعهم³¹.

هـ فتاوا و فرامان های جهاد

بی کفایتی حاکمان خودکامه قاجار، زمینه نفوذ و استیلای بیگانگان را بر جامعه ایران اسلامی آن روز فراهم آورده بود و افزون بر تحمیل قراردادهای ننگین و جدا شدن تعداد بسیاری از شهرهای اسلامی ایران و دریافت امتیازهای فراوان از دولت، پیامدهای زیان آور فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را نیز بر جامعه آن روز تحمیل کرده بود و این همه برای مجتهد لاری که به عزت مسلمانان و حاکمیت اسلام ناب محمدی می اندیشید؛ قابل تحمل نبود؛ از این رو وی هرگز دولت مستبد قاجار را به رسمیت نشناخت و اثری روشنگرانه با عنوان *آیات الظالمین*³² در سال 1314 قمری (1275ش) یعنی تقریباً 10 سال پیش از مشروطه و در اختناق قاجار منتشر ساخت و در آن از جنایات، فجایع و سیمای زشت دولت ستمگر مرکزی و

حاکمان مستبدش در منطقه لار پرده برداشت و ویژگی های آنان را با استناد به آیات قرآن و اخبار معصومان بیان کرد و با ادله محکم، علل فریب کاری آنان را آشکار ساخت، توجیه گری های آنان را بیهوده و باطل نشان داد. همچنین در فتاوی، با صراحت تمام اعلام داشت: «واجب است تبدیل سلطنت امویه اجاریه به دولت حقه اسلامی»³³ و با پیروان و مریدان فراوان خویش در منطقه لار آشکارا فریاد مخالفت ضدّ نظام استبدادی قاجار را سرداد³⁴ و به اوامر حاکمان دولت گوش فرا نداد.³⁵ تا آن جا پیش رفت که در لارستان حکومت اسلامی بنیاد نهاد. مردم نیز چون پیشاهنگی مرحوم سید را در مبارزه با ظلم و استبداد قاجاریه دیدند، یا خشنودی، مخارجی را که حکومت مستقل اسلامی وی لازم داشت، تأمین کردند.³⁶ مرحوم لاری حتی تمبر پستی به نام حکومت به چاپ رسانده بود که بر روی آن نوشته بود: «پست ملت اسلام»³⁷ همچنین کارخانه اسلحه سازی دایر کرده بود³⁸ و به تعبیر برخی نویسندگان،

«دستگاهش منظم و با انضباط بود و بر پایه شریعت صدر اسلام عمل می کرد».³⁹

ا آغاز نهضت مشروطه، مرحوم سید لاری حکم جهاد ضد مستبدان را صادر کرد و بارها با آنان جنگید و در سال 1326 قمری در دوره استبداد صغیر به مرحوم سید مرتضی مجتهد اهرمی دستور داد بوشهر را از اشغال مستبدان خارج سازد و او نیز با یاری رئیس علی دلواری و میرزا علی کازرونی چنین کرد.⁴⁰

همچنین وی در برابر قرارداد ننگین 1907 که ایران را به دو منطقه بین دولت های انگلیس و روس تقسیم می کرد موضع قاطعی گرفت و آن را باطل و غیر قانونی شمرد.⁴¹

در جنگ بین الملل اول در فرمان هایی که برای سردار عشایر قشقایی؛ صولت الدوله صادر می کند، بر جهاد علیه انگلیسی ها تأکید کرده، می گوید: «من که مجتهد و جانشین پیغمبر اسلام هستم، به این وسیله فتوا می دهم که جهاد با این کفار حربی انگلیسی ها واجب است»؛⁴² و در پاسخ استفتایی که عالمان شیراز از ایشان می کنند و زمان وجوب جهاد را جویا می شوند، با صراحت می گوید: «**الجهاد بن المهدی الی الحد**»⁴³

مرحوم سید لاری از انگلیسی ها به «ابالیس انگلیس» یاد می کند؛ چنان که وی هرگز فجایع همسایه شمالی ایران، دولت روس را از دیده پنهان نمی دارد و درباره سیاست مکارانه آنان با ملت مسلمان ایران هشدار داده، آنان را «روس بدتر از مجوس» نام می برد.⁴⁴ مجتهد لاری قراردادهای و معاهداتی را که حاکمان کشورهای اسلامی با بیگانگان منعقد ساخته و از این راه، زمینه گسترش نفوذ بیگانه و اشغال بعضی از سرزمین های اسلامی را فراهم آورده اند، باطل و غیرقابل قبول و اجرا دانسته و بیش از هر چیزی بر قانون شریعت اسلام تکیه و تأکید داشته است و استرداد سرزمین های غصب شده و قطع دست های استعمارگران از آن سرزمین ها را با دعوت ملل مسلمان به «جهاد» و «اتحاد» می داند.⁴⁵ با بن زمینه ها بود که مرحوم سیدلاری حکم جهاد ضد بیگانگان را صادر کرد. در این باره می توان به چهار حکم جهاد صادر شده از طرف وی اشاره کرد.

آوردن و پرداختن به متن این احکام در حوصله این نوشتار نیست.⁴⁶ آن چه مهم به نظر می رسد، پرداختن به نکات مهمی است که این احکام، آن ها را در بردارد. اکنون به اختصار به مهم ترین آن ها اشاره می شود:

1. با توجه به آن که محتوای فتاوی جهادیه مرحوم لاری، بیانگر برائت از کافران و مشرکان است، وی با آسبی به سوره برائت در قرآن کریم که بدون «بسم الله» است، همه احکام جهادیه را بدون «بسم الله» آغاز کرده است.

2. مسأله جهاد یکی از محکومات قرآن و از سنت های تغییرناپذیر الهی است و حکم صاحب شریعت امام زمان (علیه السلام) که عالمان اسلام نیز به شیوه حضرت اقتدا کرده اند.

3. به دشمن نباید هیچ گونه فرصتی داد و باید راه گریز را بر او بسته، به شیوه ای رفتار کرد تا فرصت بازسازی نیروهای خود را نداشته باشد و چنان سرکوب شود که عبرتی برای صاحبان بصیرت باشد.

4. امر جهاد فقط جنبه نظامی ندارد؛ بلکه در دیگر شؤون حیات انسانی مطرح است؛ از این رو افزون بر نهاد نظامی ضد بیگانگان، باید ضد سلطه های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... بیگانگان نیز مبارزه کرد؛ بنابراین از دیدگاه مجتهد لاری، دریافت مالیات، حق تفتیش در گمرکات، قرنطینه، گذرنامه، گرفتن اسلحه از مسلمانان و... که مستلزم سلطه و سبیل از سوی کافران و بیگانگان بر مسلمانان است، حرام و ممنوع است.⁴⁷؛ مسلمانان باید ضد چنین سلطه هایی به جهاد بپردازند.

5. همکاری با دولت های استکباری و بیگانگان و نیز گریز از میدان جنگ و جهاد، سبب ارتداد از اسلام است و مخالف جنگ، مخالف قرآن و امام عصر(علیه السلام) به شمار می رود و همانند شیطان از حوزه اسلام و ایمان خارج است.
6. خداوند مجاهدان را بر قاعدان با درجات بسیاری برتری داده است و هرکس رو به جهاد آورد، برای عزت و شرف خویش گام برداشته و مخارج وی باید از بیت المال مسلمانان تأمین شود و به طور قطع، پاداش مجاهدان در پیشگاه الهی بزرگ است.
7. وجوب جهاد و دفاع هرگز از انسان مسلمان ساقط نمی شود؛ حتی اگر همه امکانات نظامی هم از بین برود، باید با سنگ ریزه و چوب نخل هم که شده، جنگ با دشمن را تا آخر ادامه داد.

بختی کوتاه در روش شناسی رسائل مورد بحث

مرحوم سیّد لاری در رسائل یاد شده، گذشته از استدلال به آیات فراوان قرآن و احادیث اهل بیت(علیهم السلام)، به مباحث کلامی و اعتقادی، فقهی و اصولی نیز استدلال کرده است؛ به ویژه در طرح شبهات و پاسخ به آن ها، مباحث، بیش تر صیغه کلامی و اصولی دارد. افزون بر این، استدلال به شواهد و نمونه های تاریخی که به گونه ای بیانگر مباحث فلسفه تاریخ است، در رساله *قانون مشروطه مشروعه* به روشنی نمایان است؛ چنان که در اوایل رساله یاد شده، ضمن بحثی که مرحوم لاری درباره «علت مفاسد جوامع و علت بقا و زوال دولت ها» دارد، با ذکر نمونه هایی از حکومت ها، علت بقای بعضی از آن ها را در برابر زوال بعضی دیگر، بیان کرده است. همچنین در دو رساله «*قانون اتحاد در دولت و ملت*» و «*قانون مشروطه مشروعه*» در بحث نهادها و مؤسسات مشروطه و مباحث روز، به نوعی به اخلاق سیاسی اسلام توجه و عنایت شده و رعایت این نوع اخلاق در نهادها و تشکیلات مشروطه از اهم ضروریات دانسته شده است.

کتابنامه

1. آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن، نباء البشر، چ 2، مشهد: دارالمرتضی، 1403 ق.
2. آیت اللهی، سیّد محمدتقی، ولایت فقیه زیربنای فکری مشروطه مشروعه، چ 2، تهران: امیرکبیر، 1363.
3. افشار، ایرج، اوراق تازه یاب مشروطیت و نقش تقی زاده، چ 1، تهران: جاویدان، 1359.
4. براون، ادوارد، انقلاب مشروطه ایران، ترجمه مهری قزوینی، تهران: کوپر، 1376.
5. رکن زاده آدمیت، محمدحسین، دانشمندان و سخن سرایان فارس، چ 1، تهران: اسلامیّه، 1339.
6. _____، فارس و جنگ بین الملل، تهران: اقبال، 1357.
7. معاصر، حسن، تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، چ 2، تهران: ابن سینا، 1353.
8. موسوی لاری، سیّد عبدالحسین، رسائل سیّد لاری، تحقیق: سیّدعلی میرشریفی، چ 1، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، 1377.
9. هدایت، مهدیقلی (مخبرالسلطنه)، خاطرات و خطرات، چ 4، تهران: کتابفروشی زوّار، 1363.

پی نوشتها

1. عبدالحمید مهاجری: **شجره طیبه**، چاپ شده در **رسائل سیّد لاری**، ج 1، ص 209؛ محمدحسین رکن زاده آدمیت: **دانشمندان و سخن سرايان فارسی**، ج 3، ص 578.

2. همان، ص 208؛ همان.

3. همان، ص 209؛ همان.

4. همان ص 210-212؛ همان.

5. همان، ص 212.

6. همان، ص 213.

7. سیّد محمدتقی آیت اللهی: **ولایت فقیه زیربنای فکری مشروطه مشروع**، ص 29.

8. عبدالحمید مهاجری: **شجره طیبه**، ص 212؛ سیّد محمدتقی آیت اللهی: **ولایت فقیه زیربنای فکری مشروطه مشروع**، ص 30.

9. عبدالحمید مهاجری: **شجره طیبه**، ص 214.

10. همان، ص 225.

11. همان، ص 216.

12. همان.

13. همان، ص 214.

14. همان، ص 215.

15. همان، ص 214.

16. همان، ص 215. شایان توجه است که در آن زمان، مالیات سالانه لارستان که شامل مناطق گسترده ای بود، حدود 4200 تومان بود. (همان، ص 216) به دین ترتیب، ملاحظه می شود که بهای کتابهای مصادره شده، حدود نیمی از مالیات سرانه لارستان بوده و این، حاکی از میزان توجه و سرمایه گذاری دولت انگلیس به وسیله مسیونرهای مذهبی در جهت نابود کردن فرهنگ اسلامی این مرز و بوم است.

17. همان، ص 215.

18. همان، ص 216.

19. عبدالحمید مهاجری: **شجره طیبه**، ص 233.

- [20.](#) همان، ص 215 و 234.
- [21.](#) سید عبدالحسین لاری: **آیات الظالمین**، چاپ شده در رسائل سید لاری، ج 1، ص 252-254.
- [22.](#) سید محمدتقی آیت اللهی: **ولایت فقیه زیربنای فکری مشروطه مشروع**، ص 36 و 161.
- [23.](#) آقا بزرگ تهرانی: **نقاء البشر**، ج 3، ص 1049.
- [24.](#) سید محمدتقی آیت اللهی: **ولایت فقیه زیربنای فکری مشروطه مشروع**، ص 143-134.
- [25.](#) چنان که در فتوایی حکم به «بديل سلطنت قاجاریه به دولت حقه اسلامیّه» داده است.
- [26.](#) سید عبدالحسین لاری: **قانون مشروطه مشروع**، ص 79 و 2218.
- [27.](#) سید عبدالحسین لاری: **ولایة الفقیه** چاپ شده در **رسائل سید لاری**، ج 3، ص 5.
- [28.](#) همان، ص 7.
- [29.](#) همان، ص 2015.
- [30.](#) همان، ص 19.
- [31.](#) سید عبدالحسین لاری: **قانون مشروطه مشروع**، چاپ شده در رسائل سید لاری، ج 1، ص 34، سید محمدتقی آیت اللهی: **ولایت فقیه زیربنای فکری مشروطه مشروع**، ص 136 اما هرکس از فقیهان و عالمان دین که بر نفس و امیال نفسانی خویش مسلط، و پاسدار دین خویش باشد و مخالفت هوای نفس خویش کند و فقط مطیع و فرمانبر احکام الهی باشد، بر مردم است که از او پیروی کنند، اما همه فقیهان شیعه دارای این ویژگی ها نیستند، بلکه بعضی از آنان چنین صفاتی را دارا هستند.
- [32.](#) سید عبدالحسین لاری: **آیات الظالمین**، چاپ شده در «رسائل سید لاری»، ج 1، این رساله با نام های دیگری همچون نصایح و فضایح و الرسالة الانذارية نیز خوانده شده است؛ اما چون در این رساله؛ نزدیک به چهارصد آیه از قرآن کریم در سرزنش و ناپسندی ستم و باری رساندن به ستمگران، آورده شده، به رساله آیات الظالمین مشهور شده است. محور و محتوای اصلی رساله یاد شده، درباره دو موضوع است: اقباحت ظلم از همه گناهان و حرمت مطلقه کمک به ظالم. این رساله نیز دارای يك خاتمه است که در آن به نه شبهه با پاسخ های آن درباره حرمت ظلم و معاونت ظالم، پرداخته شده است.
- [33.](#) دفتر امام جمعه جهرم: جزوه فتوکپی حکم جهاد آیت الله سید عبدالحسین لاری، ص 3.
- [34.](#) حسن معاصر: **تاریخ استقرار مشروطیت ایران**، ج 2، ص 1100.
- [35.](#) ایرج افشار: **اوراق تازه یاب مشروطیت و نقش تقی زاده**، ص 177.
- [36.](#) مخبر السلطنه هدایت: **خاطرات و خطرات**، ص 255، ادوارد براون: **انقلاب مشروطیت ایران**، ص 322.
- [37.](#) ادوارد براون: **انقلاب مشروطیت ایران**، ص 317.
- [38.](#) همان، ص 255.

[39](#). همان، ص 322.

[40](#). محمدحسین رکن زاده آدمیت: **فارس و جنگ بین الملل**، ج 2 ص 354 و 355، عبدالحمید مهاجری: **شجره طیبه**، ص 220.

[41](#). سیّد محمدتقی آیت اللهی: **ولایت فقیه زیربنای فکری مشروطه مشروع**، ص 116 و 117.

[42](#). محمدحسین رکن زاده آدمیت: **فارس و جنگ بین الملل**، ج 2، ص 355 و 356.

[43](#). دفتر امام جمعه جهرم؛ جزوه فتوکپی حکم جهاد آیت الله سیّد عبدالحسین لاری: ص 6.

[44](#). سیّد عبدالحسین لاری: **بیانیه دفاعیه در جنگ بین الملل اول**، چاپ شده در رسائل سیّدلاری، ج 1، ص 440 و 441.

[45](#). سیّد عبدالحسین لاری: **قانون مشروطه مشروع**، ص 37 و 38.

[46](#). در این باره ر.ک: سیّد عبدالحسین لاری: **احکام جهاد**، چاپ شده در رسائل سیّدلاری، ج 1، ص 453 - 458.

[47](#). سید عبدالحسین لاری: **قانون مشروطه مشروع**، ص 15 و 25 و 35.